

تحلیلی بر آموزش شهروندی (نیازها و روش‌ها) در اداره کل امور مالیاتی غرب تهران

محمد رضا غیائی^۱، مصطفی نیکنامی^{۲*}، افسانه زمانی مقدم^۳، کامران محمدخانی^۴

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشکده مدیریت، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- دانشکده مدیریت، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴- مدیریت، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی در کشورها، مشارکت شهروندان است. یکی از مهمترین امور، مشارکت شهروندان در پرداخت مالیات است. در این پژوهش به تحلیل آموزش شهروندی برای بهبود مشارکت مردمی در پرداخت مالیات در اداره کل امور مالیاتی غرب تهران پرداخته شده است. این مطالعه به صورت ترکیبی انجام شد؛ در بخش کیفی جامعه خبرگان متخصص در خصوص آموزش شهروندی، مشارکت و مالیات بودند که با انتخاب نمونه ای ۲۰ نفره به طور هدفمند از خبرگان در زمینه مربوطه انجام شد. ابزار کیفی در پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده است. برای تجزیه و تحلیل بخش کیفی از کدگذاری باز و انتخابی استفاده شد، در بخش کمی تحقیق، جامعه آماری ۳۸۴ نفر از مؤدیان و ۲۵۴ نفر از کارکنان اداره کل مزبور است. روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی بود. و ابزار کمی پرسشنامه محقق ساخته است. برای سنجش روایی ابزار، با کسب نظر از خبرگان و اساتید مورد بررسی قرار گرفت که این مهم مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار از طریق اجرای ۳۰ پرسشنامه و

تعیین آلفای کروناخ صورت گرفت، که معادل ۹/۶۳ است. آمار مورد استفاده در این پژوهش تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون تحلیل عاملی تأییدی، آزمون T، است که از نرم افزارهای SPSS، استفاده از برنامه MonteCarloPCA استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۸ عامل استخراج شده یعنی عوامل آموزشی، فرهنگی، مدیریتی، اجتماعی، قانونی، اقتصادی، سیاسی و فناورانه در بهبود و ارتقاء مشارکت مردمی دخالت داشته که با آموزش شهروندی و یا کاربست همه این عوامل و زیر عوامل آنها می‌توان در ارتقای مشارکت مردمی در پرداخت مالیات تاثیر گذاشت. همچنین یافته‌های پژوهشی به شش روش آموزشی جهت آموزش شهروندی تأکید داشته‌اند. همچنین بهترین روش آموزش شهروندان از طریق مراکز دانشگاهی و مراکز آموزشی معرفی شدند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت مردمی، آموزش شهروندی، پرداخت مالیات، ارتقای مشارکت.

مقدمه و بیان مسأله

نظر به اینکه به نظر اغلب صاحب نظران تعلیم و تربیت و مدیریت آموزشی، نقش آموزش، یادگیری و مراکز آموزشی در توسعه دانش مالیاتی و همچنین فرهنگ مالیاتی بی‌همتا و منحصر به فرد است، لذا نظام آموزش و پرورش می‌تواند در بخش فراگیری دانش مالیاتی، فرهنگ سازی مالیاتی، اقتصاد مقاومتی و اقتصاد پایدار نقش موثری داشته باشد. چنانچه نظام آموزشی یک جامعه در خصوص مسائل مالیاتی از انسجام و برنامه ریزی مناسب و مطلوبی برخوردار باشد، طبیعتاً می‌توان انتظار داشت که مشارکت مالیاتی در جامعه گسترش یافته و جامعه شاهد مشارکت فراینده و روز افزون شهروندان خود خواهد بود. این مهم زمینه و بستر را برای توسعه هر چه بیشتر جامعه را در ابعاد مختلف فراهم خواهد کرد و چرخ‌های اقتصاد، رفاه، توسعه ی پایدار، با مشارکت مردمی در پرداخت مالیات دارای یک پیش رانی خواهد شد که با انرژی مشارکت شهروندان هیچگاه در چرخه اقتصاد و توسعه همه جانبه کشور سکون و رکود ایجاد نخواهد شد و به موجب این مهم، کشور و جامعه توسعه یافته خواهد شد.

در کشورهای در حال توسعه، حیطة فعالیت دولت به علت ضعف عملکرد بخش خصوصی گسترده است. از این رو بودجه دولت نقش تعیین کننده ای در سیاست گذاری اقتصادی خواهد داشت. دولت‌ها با استفاده از ابزار بودجه، به سیاست گذاری مالی می‌پردازند و کارایی سیاست‌های مالی در گرو تناسب و ترکیب ابزارهای مالی و انعطاف پذیری و تاثیر گذاری

آن‌ها بر اهداف اقتصادی است. در اقتصاد ایران، وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و انعطاف ناپذیری مخارج دولت، باعث ناکارآمدی سیاست‌های مالی شده و این موضوع به نوبه‌ی خود نقش درآمدهای مالیاتی را در کاهش کسری بودجه دولتی و نوسانات آن کم‌رنگ کرده است (صمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

در هر نظام اقتصادی، مالیات یکی از مهمترین ارکان آن نظام تلقی می‌شود. در واقع، مالیات از مهمترین زیر ساخت‌های اقتصادی است که نقش مهم در رشد و توسعه پایدار، تأمین عدالت اجتماعی از طریق توزیع مجدد درآمد، ثروت و تخصیص بهینه منابع دارد. هم‌چنین با اخذ مالیات عدلانه و واقعی می‌توان بر مشکلات مهم اجتماعی و اقتصادی دولت‌ها مانند کسری بودجه، معضل بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، فایز آمد (غیاثی، ۱۳۹۶).

مفاهیم نظری و تجربی پژوهش تعریف مشارکت

مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیر شدن افراد برای انجام امری است. با توجه به معنای لغوی، مشارکت امری دو جانبه تلقی می‌شود که شخصی معمولاً (البته نه همیشه) از روی میل و اراده، پذیرای آن می‌گردد که با فرد یا گروهی برای انجام کاری همیاری و همکاری می‌کند. (شکوری، ۱۳۹۴). مشارکت هر چند مفهوم تازه‌ای نبوده و بشر همواره به مشارکت فزاینده روی آورده است، اما از نیمه‌ی دوم قرن بیستم این مفهوم با نگرشی نو به موضوعی کلیدی بدل شده است. به این دلیل که گذر به شیوه‌ی مشارکتی اداره امور و برنامه‌ریزی برای آن ضروری و گریز ناپذیرتر است؛ زیرا هم ظرفیت‌ها برای مشارکت بالا رفته است و هم مسائل پیچیده‌تر شده‌اند که به وسیله‌ی دولت‌ها قابل حل باشد (سعیدی، ۱۳۹۴، ص ۷).

یکی از عناصر و مؤلفه‌های اصلی شهروندی به ویژه در جهان امروز حق مشارکت شهروندان در امور جامعه‌ی خویش است. یک شهروند ممکن است در امور جامعه شرکت نجوید و به صورت شهروندی منفعل درآید، اما این خواست خود اوست. او بنا بر موقعیت شهروندی و حقی که بنا بر این موقعیت از آن برخوردار می‌شود، از حق مشارکت و حق تعیین سرنوشت برخوردار است و می‌تواند آن را بالفعل کند و به شهروندی فعال تبدیل شود. (ایران منش، ۱۳۹۴، ص ۸۷).

در فرهنگ‌های لغات و اصطلاحات، در برابر واژه مشارکت این معانی به کار رفته است: اشتراک مساعی^۱، قدرت دادن^۲، سهم شدن^۳، بسیج مردم^۴، مسدولیت پذیری^۵، واگذاری امور^۶، خودگردانی^۷، تقسیم کار^۸، انسانی کردن^۹، خودیاری^{۱۰}، خود اتکایی^{۱۱} و عدم تمرکز^{۱۲}. به علاوه، این مفهوم بیشتر در کنار واژه "توسعه مشارکتی"^{۱۴} به کار رفته است. و با ترکیب آن‌ها نگرش جدید توسعه مشارکتی رایج شده است (شکوری، ۱۳۹۴، ص ۱۶).

-مفهوم شهروندی^{۱۵} و آموزش شهروندی^{۱۶}:

واژه شهروند معادل واژه ی Polites یونانی، Civitas لاتینی، Citizen انگلیسی و Citoyen فرانسوی است. (ایران منش، ۱۳۹۴). همچنین شهروندی را می‌توان موقعیتی در جامعه دانست که نحوه ی رابطه ی فرد با اجتماع سیاسی را بنا بر حقوق و مسئولیت‌هایی (تعهدات و وظایف) مشخص می‌کند. بنا بر این گفته یک شهروند در اجتماع خویش یک از یک سلسله حقوق برخوردار است که بر مبنای قانون برای او در نظر گرفته شده است، همچنین در برابر جامعه خود بر مبنای قانون یک سری تکالیف و وظایفی بر عهده او نسبت به جامعه گذاشته شده است که بایستی در شرایط و وضعیت خود نسبت به انجام آن وظیفه‌ها اهتمام نماید و در انجام آن‌ها از هیچ کوششی دریغ ننماید. (ایران منش، ۱۳۹۴).

جان راولز^{۱۷}، شهروندی را عملکرد یک جامعه عادل تلقی می‌کند، وی معتقد است شهروندی جریانی است که در بستر خود، منجر به رشد شهروندانی می‌شود که نه تنها از حقوق آزادی برخوردارند، بلکه وظایفی را هم به منظور تضمین عدالت در جامعه بر عهده می‌گیرند.

- 1 collaboration
- 2 Empowering
- 3 Sharing
- 4 Mobilization
- 5 Responsorship
- 6 Rein free
- 7 Management self
- 8 Division of labor
- 9 Anitizationhuman
- 10 Self help
- 11 Reliance self
- 12 Decentralization
- 14 Centralization
- 14 Participatory development
- 15 Citizenship
- 16 Citizenship Education
- 17 John Rawls

در چنین فرایندی، افراد علاوه بر این که جامعه خود را شکل می‌دهند، تلاش می‌کنند تا با انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، عناصر متشکله جامعه را حفظ کنند. رائلز معتقد است موضوع عمده شهروندی، مفهوم عدالت و ساختار اساسی جامعه است. وی علاوه بر مفهوم عدالت، ساختار اساسی جامعه که بر نهادهای اجتماعی حاکم است را نیز مد نظر قرار می‌دهد. وی معتقد است شهروندی وظایف و مسئولیت‌ها را در بین افراد جامعه توزیع می‌کند و در نهایت امکان مشارکت افراد در فعل و انفعالات اجتماعی را فراهم می‌گرداند (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۹۶: ۴).

آموزش شهروندی

به طور کلی آموزش شهروندی به عنوان ایجاد دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که قادر می‌سازد دانش آموزش (شهروندان) به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند. هدف در آموزش شهروندی فقط کسب دانش و آگاهی نیست، بلکه استفاده از این آگاهی‌ها و دانش‌ها برای افزایش میزان مشارکت در امور مختلف جامعه مدنی، جامعه محلی و جامعه بین‌المللی است. (فراهانی، ۱۳۹۶).

ضرورت و اهمیت آموزش شهروندی

ضرورت و اهمیت آموزش شهروندی تعیین اصول برای آموزش شهروندی ریشه در ماهیت دموکراسی دارد. دموکراسی‌ها نیاز به شهروندان فعال؛ مطلع، مسئولیت‌پذیر دارند. شهروندانی که خواستار مسئولیت‌پذیری در قبال خودشان و اجتماعشان هستند و در فرآیندهای سیاسی هم شرکت می‌کنند. این قابلیت‌ها بدون کمک پیشرفت نمی‌کنند. آن‌ها بایستی فرا گرفته شوند. در حالی که مقدار خاصی از شهروندی را می‌توان از طریق تجربه متداول در خانه‌ها یا محل کار فراگرفت، این مقدار هرگز به خودی خود برای تجهیز شهروندان در نقش‌های فعال مورد نیاز آن‌ها در زندگی پیچیده و متفاوت جوامع امروزی کفایت نمی‌کند. اگر شهروندان هوشمندانه در زندگی و امور اجتماعی فعال شوند، یک دیدگاه و روش آشکارتر برای آموزش شهروندی مورد نیاز است این دیدگاه باید:

الف- فراگیر باشد: یک حق برای همه افراد بدون توجه به توانایی یا پیش‌زمینه آنان باشد.
ب- متداول باشد: محدود به مدارس نباشد اما به عنوان بخش اصلی تمام برنامه‌های آموزشی افراد باشد.

ج- دائمی باشد: در تمام طول زندگی تداوم داشته باشد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان بیان کرد که، یکی از مباحث بسیار مهم در این زمینه آموزش شهروندی است که این مهم بایستی از مراحل کودکی در مراکز آموزشی تا بزرگسالی آموزش داده شود و در محتوای آموزشی آنها بطور کامل ارائه گردد تا زمینه مشارکت فراگیر در خصوص پرداخت مالیات فراهم گردد. در این فرآیند همه آحاد ملت، دولت، مودیان، ماموران مالیاتی و همه... بازی برد بردی خواهند داشت و سود و منفعت مشارکت در امور مالیاتی شامل همه افراد و جامعه خواهد شد. و مانند چرخه حیات که هر زنجیره به دیگری وابسته است این مهم تاثیر مثبت و تکمیل کننده حلقه و زنجیره فوق خواهد بود.

- نقش نهادهای آموزشی در فرهنگ سازی و مشارکت مالیاتی شهروندان

امروزه در جوامع توسعه یافته آموزش شهروندی در سه سطح محلی، ملی و جهانی مورد توجه است. به توجهی به هر سطح، زندگی در جهان امروزی را با مشکلات و موانع پیچیده و خاص خود مواجه می‌کند.

آموزش شهروندی به بهترین شکل ممکن، با درگیری فعالانه در امور عمومی، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی و داوطلبانه، جنبش‌های مردمی و شبکه ای از عملکردها در جامعه امکان پذیر می‌شود. آموزش شهروندی کارآمد به یک نظام قدرتمند و با دوام آموزش عملی نیاز دارد تا افراد جامعه، افزون بر آگاهی نسبت به ابعاد گوناگون تعهدات و حقوق اساسی در یک جامعه، در جهت تحقق آنها نیز گام بردارند. بنابراین آموزش‌های نظری برای ایجاد شهروندی کارآمد کافی نیست و باید آن را با آموزش‌های شهروندی که بیشتر به درگیری فعالانه و عملی تأکید دارد، تکمیل کرد. (ایران منش، ۱۳۹۴: ۳۰۷).

- پیشینه تحقیق در ایران

درآمدهای مالیاتی یکی از پایدارترین منابع جهت تأمین هزینه‌های حاکمیتی دولت‌ها هستند و از این رو، نظام مالیاتی یک جزء مهم و مؤثر در اقتصاد کشورهای مختلف محسوب می‌گردد. بنابراین، همواره افزایش کارایی و وصول از طریق ارتقاء درجه تمکین مالیاتی پایه‌های موجود و هم چنین معرفی پایه‌هایی با درجه تمکین بالا مدنظر بوده است. به طوری که در ایران و تعداد زیادی از کشورها به دنبال تحقق هرچه بیش تر نقش مالیات در زمینه اهداف مزبور، مالیات برارزش افزوده به عنوان پایه جدید مالیاتی مطرح شده است (کازمی و همکاران، ۱۳۹۲).

رومیانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود گزارش داده است که، آموزش شهروندی عبارت از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. این آموزشها شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه، اخلاق و ارزشها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوتهاست.

عظیمی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه خود به بستر سازی و فرهنگ سازی مناسب در عرصه‌های مختلف اجتماعی از عوامل مؤثر بر ایجاد نظام مشارکتی و بالا بردن حساسیت مردم نسبت به محل زندگی آنها عنوان کرده است که: تعلیم و آگاه سازی مردم از منافع مشارکت و آموزش از طریق مراکز آموزشی بر افزایش مشارکت مردمی مؤثر است.

کیانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود بیان نموده است که حمایت دولت انگیزه افراد و شهروندان را برای مشارکت آنان در امور مختلف مؤثر می‌داند. آگاهی افراد از فواید مشارکت و شراد در دوره‌های آموزشی نیز بر میزان مشارکت‌های شهروندان مؤثر است.

صالحی و همکاران (۱۳۹۳)؛ کمالی و شفیعی، (۱۳۹۰) منشادی (۱۳۹۴) در پژوهش در این زمینه گزارش داد که وظیفه اصلی برنامه خدمت به مؤدیان، مطلع نمودن مردم از وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال سیستم مالیاتی است. بسیار ضروری است که سیستم مالیاتی اطلاعاتی از قبیل آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، تصمیمات و سایر تذکرات را در اختیار مؤدیان قرار دهد تا از مشکلات اجرایی احتمالی کاسته شده و سطوح بالای تمکین حاصل گردد. همچنین در خصوص عامل مدیریتی چنانچه مدیران در تعامل با مؤدیان از سیستم‌های نوین به جای سیستم‌های سنتی استفاده نمایند بر تمکین اثر مثبت و مستقیم خواهد داشت.

حیدری و همکار (۱۳۹۲) در پژوهش خود به عدالت محوری، آزادی، عقلانیت، احترام به کرامت انسانی، تعاون، برابری، مشورت، حاکمیت قانون، قانون‌مداری و نقش آموزش شهروندی در آموزش موارد فوق تاکید دارد. در ادامه به نقش افزایش مهارت‌ها، توانمندسازی و آگاه سازی و مسئولیت اخلاقی در تقویت مشارکت شهروندان تاکید نموده است.

نجانهاوندی و آبخوش (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به سنجش تأثیر آموزش شهروندی بر توانمندسازی زنان (مطالعه‌ی موردی: منطقه ۶ شهرداری تهران)؛ زن در توسعه و سیاست پرداخته است و گزارش داده که هماهنگ است. به این ترتیب یافته‌های پژوهش ایشان نیز بر

نقش و تأثیر آموزش شهروندی بر مشارکت شهروندان دارد و اینکه با آموزش شهروندی می‌توان مشارکت را افزایش داد.

رضوانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به نقش راهبرها و راهکارهای توانمند سازی پرداخته و در این زمینه به ایجاد واحد آموزش، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، تهیه طرح آموزشی برای گروه‌های هدف تاکید داشته است.

امیری و همکاران (۱۳۹۵) همچنین در پژوهش خود به نقش عوامل سازمانی و اقتصادی اشاره داشته اند که با خود اظهاری مالیات اشخاص حقیقی رابطه معنی داری داشته است. ضمن اینکه عوامل فردی به عنوان متغیر میانجی درصدی از اثرات این دو متغیر بر متغیر وابسته را حمل می‌کنند. احتشامی، صادق و عبدی، فائزه، (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان "ارتقای فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر نظام مالیات" بی‌اطلاعی مردم از اهمیت نقش مالیات سبب عدم ارتقای فرهنگ مالیاتی می‌شود که موجب کاهش مشارکت می‌شود، همچنین ارتقای فرهنگ مالیاتی که به سبب آشنایی و دانایی در خصوص اهمیت و ضرورت پرداخت مالیات است خود موجب افزایش وصول مالیات می‌گردد.

شافعی، رضا، استاد، سید آرمان، (۱۳۹۵)، به فرهنگ اشاره نموده است، شهنازی، روح اله، احمدی، وحیده، (۱۳۹۵)، بهبود شفافیت در فرآیند ممیزی مالیاتی و ارتقاء سیاست‌های اداری حوزه مالیاتی کشور می‌تواند سبب کاهش فرار مالیاتی شود.

رضوانی و همکاران (۱۳۹۵) همچنین در پژوهش خود به نقش راهبرها و راهکارهای در زمینه توسعه مهارت‌های پایه پرداخته و در این زمینه به آموزش کودکان برای کارهای مشارکتی و ترغیب آن‌ها به بازی‌هایی در این زمینه پرداخته است، همچنین به برگزاری کلاس‌هایی جهت ایجاد نگرشی مثبت و آموزش‌های تخصصی برای گروه‌های هدف تاکید داشته است.

عباسی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به موضوع "آموزش شهروندی" پرداخته است گزارش نمودند که انگیزه، دانش، توانمندی، مهارت، حقوق و قوانین که از طریق آموزش شهروندی ارائه گردد موجب افزایش مشارکت شهروندان می‌گردد.

- پیشینه تحقیق در خارج

در پژوهش‌های خارجی، همانند پژوهش‌های داخلی اغلب بر متغیرهای جداگانه تأکید نموده‌اند و پژوهش‌هایی اغلب به صورت جداگانه به متغیرهای عوامل مشارکت مردمی،

مالیات و آموزش شهروندی پرداخته‌اند. و پژوهش حاضر این شکاف را پر کرده و همه موضوعات فوق را در یک مجموعه گرد هم آورده و به صورت یکجا مورد بررسی قرار داده است. با این وجود پژوهش‌هایی که در راستای این پژوهش می‌باشند به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

اسشمولدرز^۱ (۱۹۶۰)، در پژوهش خود به رابطه آموزش و مشارکت مالیاتی پرداخت و به گزارش نموده است که توافق با فعالیت‌های دولتی و سیاست مالی در گروه‌هایی با سطوح بالای آموزشی زیاد است.

رایموند و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، در پژوهش‌های خود اعلام نموده است، سه عامل تعیین‌کننده کننده برای عضویت افراد در گروه‌های باز سازی محیط زیست مؤثر می‌باشند. ایجاد انگیزه؛ کسب دانش و مهارت و اطلاعات جدید؛ تغییر نگرش در اثر آموزش؛

ریتاین^۳ (۲۰۱۶)، در تحقیقات خود به مشارکت عمومی پرداخته و آن را به عنوان حق انسانی و شهروندی دانسته و اینکه مشارکت شهروندان به عنوان یک واقعیت اجتماعی مورد پذیرش است. از طرفی مشارکت عمومی به عنوان پیش شرط توسعه همه جانبه و توسعه پایدار است و به ارتباط مشارکت با آگاهی شهروندان نیز اشاره نموده است.

غیائی^۴ (۲۰۱۷)، در پژوهشی که در خصوص آموزش شهروندی به خصوص امور مالیاتی توسط محقق پیرامون آموزش مالیاتی در مباحث شهروندی توسط وزارت آموزش کشور نیوزلند انجام شد. نتایجی به شرح زیر رسیده است؛ که بطور مختصر ارائه می‌گردد. در کشور نیوزلند (۲۰۱۷)، در خصوص آموزش شهروندی، همچنین یکی از ابعاد آموزش شهروندی یعنی آموزش امور مالیاتی به شهروندان نیوزلندی توسط وزارت آموزش و پرورش به صورت گسترده در حال انجام است. وزارت آموزش و پرورش کشور نیوزلند در این خصوص سایت آنلاینی جهت آموزش شهروندی بخصوص آموزش امور مالیاتی ایجاد نموده است.^۵ این سایت به صورت یک مرکز مجازی آموزشی برای کلیه سطوح سنی و مقاطع تحصیلی و سنی راه اندازی شده است. محتوای دوره‌ها متناسب با سنین افراد و گام به گام است.

1 Schmolder(1960)

2 raymond et all (2013)

3 Retain. 4(2 016)

4 Ghiasi(2017)

5 (<http://taxcitizenship.tki.org.nz/17 May 2017>)

در کشور نیوزلند (۲۰۱۷)، در سایت مرکز آموزشی مجازی گفته شده محتوای آموزشی مالیاتی به صورت بسیار جالب و در جملات مختصر به فراگیر آموزش داده می‌شود. در این مجموعه آموزشی تعریف مالیات، چرایی اخذ مالیات، تاثیر مالیات بر شهروندان و جامعه و... در همه سطوح متناسب با سن و مقطع تحصیلی ارائه شده است؛ که این مهم موجب ارتقاء فرهنگ مالیاتی از یکسو و انگیزه و باور درونی شهروندان به نقش مؤثر مالیات در رفاه جامعه خواهد شد.^۱

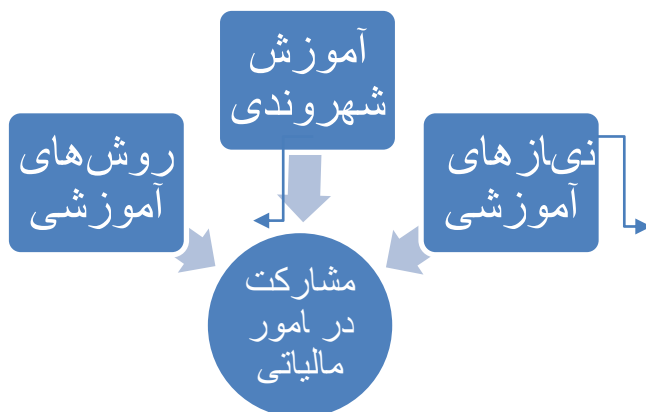
مک کنویل^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش خود که "شهروندی و نظارت آنان بر چگونگی هزینه نمودن دلارهای پرداختی" را مورد بررسی قرار داده است؛ بیان نموده، اگر شهروندان مشارکت بیشتری در تصمیم‌گیری محلی و ملی داشته باشند و آن‌ها به صورت یک جامعه مشارکت‌جو و دموکراتیک زندگی نمایند. اعتماد آن‌ها به مسئولان به خصوص مقامات مالیاتی افزایش می‌یابد. و شهروندان می‌توانند نحوه‌ی وصول و هزینه نمودن مالیات را ببینند و در مجموع رابطه شفافیت عملکرد اقتصادی، اطلاع، آگاهی و اعتماد را با مشارکت شهروندان را گزارش نموده است.

مولفه‌های مستخرج از ادبیات تحقیق (چارچوب نظری)

در این پژوهش، پس از بررسی و مطالعه ادبیات نظری و تجربی مرتبط با موضوع پژوهش، به این چارچوب اشاره شد که جهت بهبود مشارکت مردمی دو عامل اصلی یعنی نیازهای آموزش شهروندان و روش‌های مطلوب آموزش دخالت دارند. با این پیشنهاد چارچوب مفهومی اولیه زیر ارائه گردید. لذا، ابتدا عوامل بهبود مشارکت مالیاتی استخراج گردید سپس با توجه به شکاف وضعیت موجود و مطلوب نیازهای آموزشی مشخص شد؛ در ادامه روش‌های آموزش شهروندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

1)WWW taxcitizenship. tki. org. nz

2 Jim. Mcconville(2018)



شکل ۱- الگوی اولیه آموزش شهروندی ارائه شده (نیازها و روش‌های) جهت بهبود مشارکت شهروندان.

روش پژوهش

از نظر هدف تحقیق به دو دسته طبقه بندی می‌شوند؛ بنیادی و کاربردی، تحقیق بنیادی آن نوع تحقیقی است که به توسعه و گسترش دانش مورد تحقیق می‌انجامد. تحقیق کاربردی همان طور که از اسم آن مشخص است به تحقیقی گفته می‌شود که از نتایج آن در حوزه‌ی خاص پژوهش کاربرد داشته و مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است. زیرا می‌توان از نتایج آن در جهت ارتقای مشارکت شهروندان در امور پرداخت مالیات که یکی از عوامل توسعه اقتصادی و همه جانبه کشور محسوب می‌شود استفاده نمود. جمع آوری داده‌ها تجزیه و تحلیل داده انجام شد. همانگونه که قبلاً بیان شد کار اصلی و مهم در پژوهش حاضر کشف پدیده اصلی بود؛ این مهم و فرآیند آن در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی اتفاق افتاد و متعاقب آن روابط برقرار گردید. پدیده اصلی این پژوهش تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی و نیازهای آموزش شهروندی، روش آموزش، مجریان آموزشی، محتوای آموزشی است که با کمک پژوهش کیفی و کار پرحجم و زمان بر اما عمیق، با کیفیت، با عشق، با حوصله، احساس مسئولیت، احساس خدمت، اخلاق حرفه‌ای، تجارب شغلی، پشتوانه تجربی و سال‌ها خدمت، پشتوانه تئوریک همکاران به دست آمد؛ که این مهم می‌تواند راهگشا و رهنمودی برای بالندگی، اثربخش، تعالی سازمانی و بهره‌وری سازمانی گردد.

سؤالات اصلی در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- عوامل ارتقاء مشارکت مردمی کدامند؟
- ۲- وضعیت موجود عوامل ارتقاء مشارکت مردمی چگونه است؟
- ۳- وضعیت مطلوب عوامل ارتقاء مشارکت مردمی چگونه است؟
- ۴- نیازهای آموزشی برای آموزش شهروندی مؤدیان جهت مشارکت در پرداخت مالیات کدامند؟

- ۵- روش‌های آموزشی برای آموزش شهروندی مؤدیان جهت مشارکت در پرداخت مالیات کدامند؟

تحقیق حاضر از نظر روش و نحوه ی گردآوری داده‌ها، پیمایشی، توصیفی به این جهت که به وضع موجود پرداخته می‌شود؛ همچنین از لحاظ انجام میدانی زیرا در یک محیط واقعی و میدانی که اداره کل امور مالیاتی غرب تهران (مؤدیان و کارکنان) است اجرا شده است. تحقیق از طرفی ترکیبی (کمی و کیفی) است؛ زیرا برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در تحقیق از تحلیل متون و ادبیات استفاده شده و ابزارهای پژوهش کیفی (مصاحبه خبرگان) و پژوهش کمی (پرسشنامه) و اجرای آن در نمونه منتخب از جامعه مورد نظر استفاده شده است. در این پژوهش که به صورت ترکیبی (کیفی و کمی) انجام شد؛ در بخش کیفی با انتخاب نمونه ای ۲۰ نفره به طور هدفمند از خبرگان صاحب نظر در زمینه مربوطه انجام شد. ابزار کیفی در پژوهش مصاحبه نیمه ساختار یافته و ابزار کمی پرسشنامه محقق ساخته بوده است. جامعه آماری برای بخش کمی ۳۸۴ نفر از مؤدیان و ۲۵۴ نفر از کارکنان اداره کل مزبور است. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بود. برای بررسی روایی از روش محتوایی بهره گرفته شد که اساتید و خبرگان روایی ابزار را مورد تأیید قرار دادند. در ارزیابی پایایی ابزار از طریق اجرای ۳۰ پرسشنامه و تعیین آلفای کرونباخ صورت گرفت است که معادل ۹/۶۳ است. آمار مورد استفاده در این پژوهش تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون T و آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون تحلیل عاملی و تحلیل عاملی تأییدی است که با استفاده از نرم افزارهای SPSS صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت مقیاس اندازه‌گیری که از نوع فاصله‌ای است و فرضیه‌های تحقیق برای تحلیل داده‌ها حسب مورد از آزمون‌های تحلیل عاملی اکتشافی و

تأییدی، آزمون t تک نمونه ای و زوجی استفاده شد. نتایج تفصیلی این محاسبه‌ها در این فصل در دو قسمت توصیف و تحلیل داده‌ها ارائه شده است

جدول ۱- فراوانی و درصد مودیان و کارکنان امور مالیاتی در غرب شهر تهران

درصد	فراوانی	گروه‌ها	
۵۴.۳۹	۲۲۹	مرد	مودیان
۴۵.۲۰	۱۳۴	زن	
۹۷.۳۲	۲۱۶	مرد	کارکنان
۰۲.۷	۴۶	زن	
۱۰۰	۶۵۵	جمع	

با توجه به جدول فوق، ۲۵۹ نفر از مودیان مرد و ۱۳۴ نفر زن بوده‌اند، و ۱۹۸ نفر از کارکنان امور مالیاتی در غرب شهر تهران مرد و ۶۴ نفر زن بوده‌اند.

- سوال اول پژوهش: عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات کدامند؟

عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات کدامند؟

جهت شناسایی عوامل موثر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات مورد مطالعه، پس از مطالعه عمیق و موشکافانه مبانی نظری و پیشینه مطالعات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق و استفاده از نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران طی چند مرحله کدگذاری گردیده و در نهایت عوامل اصلی شناسایی شدند و سپس برای هر یک از عوامل مورد نظر، گویه‌هایی تعریف و طراحی شدند. در نهایت، برای تأیید این عوامل و روایی سازه، از تحلیل عامل اکتشافی^۱ (روش تحلیل مولفه اصلی^۲) و نرم افزار SPSS استفاده شد. در اینجا باید به این نکته اشاره شود که اصولاً قبل از اجرای تحلیل عاملی لازم است مفروضه‌های زیر رعایت گردد:

با اجرای تحلیل موازی مشخص شد که از داده‌های تحقیق حاضر ۸ مولفه می‌توان استخراج کرد. بنابراین تحلیل عاملی اکتشافی مجدداً با در نظر گرفتن ۸ عامل به عنوان مولفه‌های استخراجی اجرا می‌شود.

اندازه‌های *KMO* و نتایج آزمون کرویت بارتلت در جدول ۲ نمایش داده شده است.

1 Explanatory Factor Analysis

2 Principal Component Analysis

جدول ۲- اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارلت برای استخراج ۸ مولفه

شاخص KMO		۰.۹۱۰
مجدورخی	۲۹.۱۱۱۴۸۳	
درجه آزادی	۴۱۸۶	
سطح معنی داری	۰.۰۰۰	

چنانکه در این جدول دیده می‌شود، مقدار KMO برابر با $۰/۹۱۰$ است که نزدیک ۱ است. همچنین سطح معنادار بودن مشخصه آزمون کرویت بارلت نیز صفر است که کوچکتر است $۰/۰۵$ است و نشان می‌دهد از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی براساس ماتریس همبستگی حاصل در گروه نمونه مورد مطالعه، قابل توجیه خواهد بود.

با توجه به خروجی تحلیل عاملی اکتشافی جدول اشتراکات نامیده می‌شود که ضرایب تعیین متغیرها را نشان می‌دهد. چنانچه این عدد در متغیری کوچکتر از $۰/۴$ باشد، باید آن متغیر (سوال) حذف شود و مجدداً تحلیل عامل اکتشافی انجام شود. هرچه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگتر باشد، عامل‌های استخراج شده، متغیرها را بهتر نشان می‌دهند. جدول زیر مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد تراکمی عامل‌های باقیمانده در تحلیل (عامل‌هایی که دارای مقدار ویژه بزرگتر یا مساوی ۱ بودند) را قبل و پس از چرخش واریماکس نشان می‌دهد.

جدول ۳- مقادیر ارزش ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تراکمی برای عامل‌های استخراج شده در راه حل ۸ مولفه‌ای

مولفه	مقادیر ویژه		مجموع مجدورات بعد از چرخش واریماکس		
	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی	درصد واریانس	مقدار ویژه
۱	۷۷۹.۲۹	۳۶۹.۳۲	۳۶۹.۳۲	۴۰۱.۱۱	۴۰۱.۱۱
۲	۹۳۴.۱۰	۸۸۴.۱۱	۲۵۳.۴۴	۵۵۰.۱۰	۷۰۶.۹
۳	۵۳۹.۸	۲۸۲.۹	۵۳۵.۵۳	۳۳۷.۱۰	۵۱۰.۹
۴	۱۷۶.۶	۷۱۳.۶	۲۴۸.۶۰	۳۱۴.۱۰	۴۸۹.۹
۵	۰۱۵.۵	۴۵۱.۵	۷۰۰.۶۵	۹۰۳.۹	۱۱۰.۹
۶	۲۹۰.۴	۶۶۳.۴	۳۶۲.۷۰	۵۷۶.۸	۸۹۰.۷
۷	۳۰۲.۳	۵۸۹.۳	۹۵۲.۷۳	۱۲۷.۸	۴۷۷.۷
۸	۹۷۹.۲	۲۳۸.۳	۱۸۹.۷۷	۹۸۰.۷	۳۴۲.۷

			۱۲۵.۷۹	۹۳۵.۱	۷۸۱.۱	۹
			۹۱۰.۸۰	۷۸۵.۱	۶۴۲.۱	۱۰
			۳۵۴.۸۲	۴۴۴.۱	۳۲۹.۱	۱۱
			۷۰۱.۸۳	۳۴۷.۱	۲۳۹.۱	۱۲
			۸۵۴.۸۴	۱۵۲.۱	۰۶۰.۱	۱۳
			۸۳۱.۸۵	۹۷۷.۰	۸۹۹.۰	۱۴
			۷۱۸.۸۶	۸۸۷.۰	۸۱۶.۰	۱۵
			۵۶۷.۸۷	۸۴۹.۰	۷۸۱.۰	۱۶
			۳۲۲.۸۸	۷۵۵.۰	۶۹۵.۰	۱۷
			۰۵۰.۸۹	۷۲۸.۰	۶۷۰.۰	۱۸
			۷۳۸.۸۹	۶۸۸.۰	۶۳۳.۰	۱۹
			۳۳۷.۹۰	۵۹۹.۰	۵۵۱.۰	۲۰

چنانکه در این جدول (شرح کامل آن در پیوست موجود است) دیده می‌شود، ارزشهای ویژه ۸ عامل بزرگتر مساوی یک است، و درصد پوشش واریانس مشترک بین متغیرها برای این ۸ عامل بر روی هم ۷۷/۱۹ درصد کل واریانس متغیرها را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، چنانچه از مجموعه گویه‌ها بر پایه مطالب بالا، ۸ عامل استخراج شود، به اندازه ۷۷/۱۹ درصد کل واریانس تبیین می‌شود. در این میان، عامل اول ۱۱/۴۰ درصد از واریانس کل و عامل هشتم ۷/۹۸ درصد از واریانس مشترک را توجیه می‌کند. رویهم رفته پس از انجام تحلیل عاملی و اجرای شیوه چرخش واریماکس برای ساده سازی مولفه‌ها، مشخص شد که بهترین راه حل عاملی، دارای ۸ عامل است. بنابراین از مجموع گویه‌ها، ۸ عامل به عنوان عاملهای اصلی شناسایی شدند.

۱- عامل اول: عامل «فرهنگ» نام گرفته است. این عامل ۱۱/۴۰ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۳ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «تدوین منشور اخلاقی برای کارکنان سازمان امور مالیاتی در امور اجرایی مؤدیان (رسیدگی، تشخیص و وصول)» با وزن ۰/۸۴۰ و کمترین وزن عاملی به گویه «انسجام و هماهنگی بین واحدهای مختلف سازمان امور مالیاتی» با وزن ۰/۵۰۵ تعلق دارد.

۲- عامل دوم: عامل «آموزش» نام گرفته است. این عامل ۱۰/۵۵ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۲ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «آشنایی دانش آموزان و دانشجویان با قوانین و اهمیت مالیات از

طریق برنامه درسی مراکز آموزشی « با وزن ۰/۸۶۱ و کمترین وزن عاملی به گویه « آموزش آشنایی با قوانین مالیاتی و اهمیت مالیات به مؤدیان از طریق رسانه‌ها » با وزن ۰/۶۹۷ تعلق دارد.

۳- عامل سوم: عامل «فناورانه» نام گرفته است. این عامل ۱۰/۳۴ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۰ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه « ایجاد پایگاه اطلاعاتی ذی نفعان سازمان امور مالیاتی کشور» با وزن ۰/۹۰۵ و کمترین وزن عاملی به گویه « الکترونیکی شدن تمام فرآیندها و فعالیت‌های اجرایی در سیستم مالیاتی کشور » با وزن ۰/۸۱۵ تعلق دارد.

۴- عامل چهارم: عامل «اقتصادی» نام گرفته است. این عامل ۱۰/۳۱ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۲ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه « نقش و جایگاه مالیات در توسعه ملی و همه جانبه کشور و کاهش وابستگی به ذخایر ملی (نفت و...)» با وزن ۰/۸۵۵ و کمترین وزن عاملی به گویه « مجازات کتمان اطلاعات و پنهان کاری در امور مالیاتی » با وزن ۰/۵۹۹ تعلق دارد.

۵- عامل پنجم: عامل «اجتماعی» نام گرفته است. این عامل ۹/۹۰ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۱ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه « کمک به تحقق بهبود مستمر در ایجاد شغل و کاهش فقر در جامعه با منابع مالیات» با وزن ۰/۸۳۴ و کمترین وزن عاملی به گویه «تعهد و امانت داری مسئولین و کارکنان سیستم مالیاتی نسبت به حقوق مؤدیان» با وزن ۰/۷۱۳ تعلق دارد.

۶- عامل ششم: عامل «مدیریتی» نام گرفته است. این عامل ۸/۵۸ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۹ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه « کاهش تعداد دفعات مراجعه مؤدیان به سازمان امور مالیاتی جهت یک فعالیت اجرایی » با وزن ۰/۸۵۳ و کمترین وزن عاملی به گویه « تفویض اختیار در سازمان امور مالیاتی جهت تسهیل امور مؤدیان مالیاتی» با وزن ۰/۶۶۲ تعلق دارد.

۷- عامل هفتم: عامل «سیاسی» نام گرفته است. این عامل ۸/۱۳ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۱۱ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه « حاکمیت قانون و اجرای بی طرفانه آن در کلیه مراحل اجرایی در سازمان امور مالیاتی» با وزن ۰/۸۰۳ و کمترین وزن عاملی به گویه « کمک به تحقق خواسته‌ها و انتظارات منطقی مؤدیان از سیستم مالیاتی کشور» با وزن ۰/۶۰۶ تعلق دارد.

۸- عامل هشتم: عامل «قانونی» نام گرفته است. این عامل ۷/۹۸ درصد بار عاملی عوامل شناسایی شده را به خود اختصاص داده است و ۹ گویه را شامل می‌شود. در این عامل، بیشترین وزن عاملی به گویه «بازنگری و شفاف نمودن معافیت‌ها و بخشودگی‌های مندرج در قوانین و مقررات مالیاتی جهت افزایش پایه مالیاتی» با وزن ۰/۸۴۷ و کمترین وزن عاملی به گویه «نظارت نهادهای مردم نهاد بر کلیه فرآیندهای اجرایی (ثبت نام، رسیدگی، تشخیص و وصول مالیات) و هزینه نمودن مالیات‌ها» با وزن ۰/۶۱۶ تعلق دارد.

-سوال دوم پژوهش: وضعیت موجود عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات چگونه است؟

به منظور تعیین وضعیت موجود عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است که در این روش میانگین مشاهده شده هر عامل با میانگین مورد انتظار آنها مقایسه می‌شود.

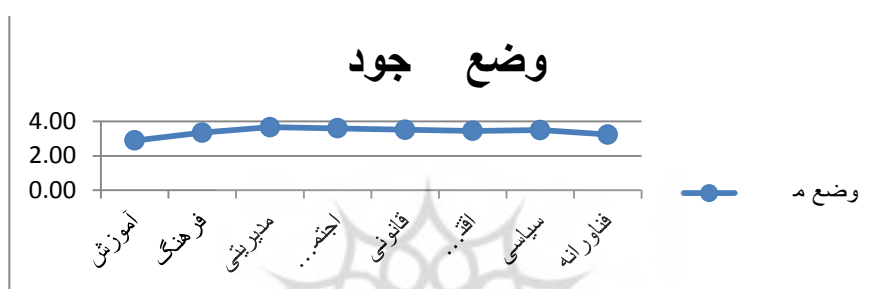
میانگین مورد انتظار برابر با حد متوسط متغیر است. پرسشنامه در طیف ۷ گزینه‌ای لیکرت (از ۱ تا ۷) تنظیم شده که حد وسط آن برابر ۴ است، بنابراین میانگین مورد انتظار هر متغیر برابر ۴ است.

جدول شماره ۴- نتایج آزمون T تک نمونه‌ای وضع موجود عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات

عوامل	t	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین‌ها	
				کمران پایین	کمران بالا
آموزش	-۹۶۲.۳۹	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۱۳۶۷.۱	۰.۱-۳۰۲
فرهنگ	-۳۴۲.۱۷	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۶۷۸۳.۰	۰.۰-۵۴۰۳
مدیریتی	-۴۹۴.۸	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۴۱۴۲.۰	۰.۰-۲۵۸۶
اجتماعی	-۵۲۰.۱۰	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۴۸۰۹.۰	۰.۰-۳۲۹۶
قانونی	-۹۹۷.۱۱	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۵۶۸۱.۰	۰.۰-۴۰۸۳
اقتصادی	-۶۱۹.۱۴	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۶۲۹۴.۰	۰.۰-۴۸۰۳
سیاسی	-۷۰۹.۱۲	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۵۸۳۶.۰	۰.۰-۴۲۷۴
فناورانه	-۳۱۴.۱۷	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۸۵۶۹.۰	۰.۰-۶۸۲۳

mean=4 و N=655

نتایج جدول ۴- حاکی از آن است که تفاوت میان میانگین وضع موجود تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی با میانگین نظری در سطح خطای $0/05$ = معنادار است ($p < 0/05$)، به طوری که میانگین مشاهده شده همه عوامل در وضع موجود از میانگین مورد انتظار (نمره ۴) پایین تر است (تفاوت میانگین ها منفی است). لذا با اطمینان 95% می توان بیان نمود که مشارکت کنندگان در پژوهش وضعیت موجود عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی را پایین تر از حد متوسط و نامطلوب گزارش نموده اند.



نمودار ۱- نمودار خطی برای مقایسه میانگین وضعیت موجود عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی

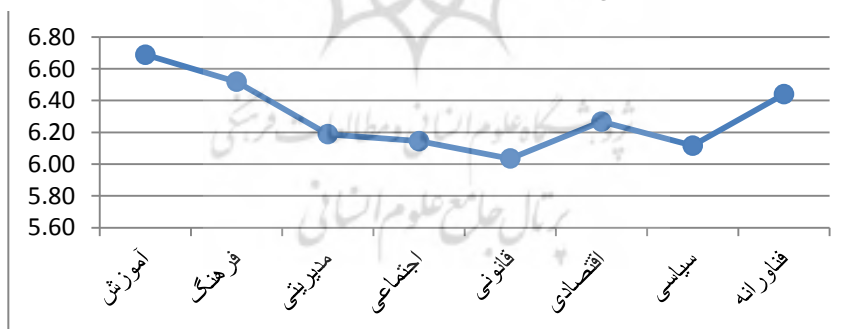
-سوال سوم پژوهش: وضعیت مطلوب عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات چگونه است؟
 به منظور تعیین وضعیت مطلوب عوامل اثرگذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است که در این روش میانگین مشاهده شده هرعامل با میانگین مورد انتظار آنها مقایسه می شود.
 میانگین مورد انتظار برابر با حد متوسط متغیر است. پرسشنامه در طیف ۷ گزینه ای لیکرت (از ۱ تا ۷) تنظیم شده که حد وسط آن برابر ۴ است، بنابراین میانگین مورد انتظار هر متغیر برابر ۴ است.

جدول ۵- نتایج آزمون T تک نمونه ای وضع مطلوب عوامل اثر گذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات

عوامل	t	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین‌ها	سطح اطمینان ۹۵٪	
					کران پایین	کران بالا
آموزش	۲۷۵.۱۳۶	۶۵۴	۰.۰۰۰	۶۹.۲	۶۴۹۲.۲	۷۲۶۶.۲
فرهنگ	۸۱۶.۱۱۲	۶۵۴	۰.۰۰۰	۵۲.۲	۴۷۴۳.۲	۵۶۱۹.۲
مدیریتی	۶۵۸.۹۱	۶۵۴	۰.۰۰۰	۱۹.۲	۱۴۱۱.۲	۲۳۴۸.۲
اجتماعی	۱۶۳.۸۴	۶۵۴	۰.۰۰۰	۱۴.۲	۰۹۴۷.۲	۱۹۴۸.۲
قانونی	۱۴۳.۷۱	۶۵۴	۰.۰۰۰	۰۳.۲	۹۷۸۱.۱	۰۹۰۴.۲
اقتصادی	۷۳۸.۱۰۷	۶۵۴	۰.۰۰۰	۲۷.۲	۲۲۶۲.۲	۳۰۸۹.۲
سیاسی	۶۳۹.۸۹	۶۵۴	۰.۰۰۰	۱۲.۲	۰۶۹۸.۲	۱۶۲۵.۲
فناورانه	۷۶۳.۹۵	۶۵۴	۰.۰۰۰	۴۳.۲	۳۸۸۹.۲	۴۸۸۶.۲

mean=4 و N=655

نتایج جدول ۵- حاکی از آن است که تفاوت میان میانگین وضع مطلوب تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی با میانگین نظری در سطح خطای $0/05 =$ معنادار است ($p < 0/05$)، لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان نمود که مشارکت کنندگان در پژوهش فاصله میان وضعیت مطلوب در عوامل اثر گذار بر مشارکت مردمی را گزارش نموده‌اند.



نمودار ۲- نمودار خطی برای مقایسه میانگین وضعیت مطلوب عوامل اثر گذار بر مشارکت مردمی

سوال چهارم پژوهش: نیازهای آموزشی برای آموزش شهروندی مؤدیان جهت مشارکت

در پرداخت مالیات کدامند؟

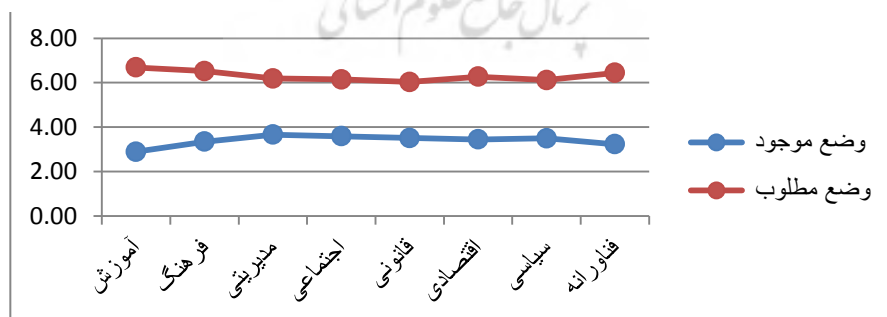
برای پاسخ به این سؤال و تعیین فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب عوامل

اثر گذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات از آزمون t زوجی استفاده شده است که در این روش میانگین مشاهده شده هر عامل در وضعیت موجود با وضعیت مطلوب آنها مقایسه می شود.

جدول ۶- نتایج آزمون T زوجی (همبسته) میان وضع موجود و وضع مطلوب عوامل اثر گذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات

عوامل	t	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین ها
آموزش ۱ ° آموزش ۲	-۱۷۴.۱۱۳	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۸۰.۳
فرهنگ ۱ ° فرهنگ ۲	-۱۲۸.۷۰	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۱۷.۳
مدیریتی ۱ ° مدیریتی ۲	-۷۰۸.۵۰	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۵۲.۲
اجتماعی ۱ ° اجتماعی ۲	-۶۶۷.۵۵	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۵۵.۲
قانونی ۱ ° قانونی ۲	-۷۶۶.۵۲	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۵۲.۲
اقتصادی ۱ ° اقتصادی ۲	-۸۵۴.۶۵	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۸۲.۲
سیاسی ۱ - سیاسی ۲	-۰۲۴.۵۶	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۶۲.۲
فناورانه ۱ ° فناورانه ۲	-۸۳۶.۵۸	۶۵۴	۰۰۰.۰	-۲۰.۳

نتایج جدول ۶- حاکی از آن است که تفاوت میان میانگین وضع مطلوب و وضع موجود در تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات در سطح خطای ۰/۰۵ = معنادار است ($p < ۰/۰۵$)، لذا با توجه به اینکه میانگین تمامی عوامل در وضع موجود از وضع مطلوب کمتر است، با اطمینان ۹۵٪ می توان بیان نمود که در تمام عوامل نیاز به آموزش وجود دارد.



نمودار ۳- نمودار مقایسه وضع موجود و وضع مطلوب عوامل اثر گذار بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات

- سوال پتجم پژوهش: راه‌های آموزش شهروندی (مؤدیان) برای ارتقای مشارکت مردمی در پرداخت مالیات کدامند؟

جدول ۷- شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی روش‌های آموزش شهروندی

انحراف معیار	میانگین	روش آموزش
.۵۴	۷۸۳۲.۶	آموزش مدرسه‌ای (برنامه درسی)
.۶۲	۷۳۷۴.۶	رسانه‌های جمعی
.۷۱	۶۵۶۵.۶	شبکه اجتماعی
.۵۲	۷۹۵۴.۶	مراکز دانشگاهی
.۵۷	۷۱۴۵.۶	کارگاه‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی
.۵۶	۷۱۳۰.۶	دوره‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی

جدول ۸- آزمون t تک نمونه‌ای، راه‌های آموزش شهروندی برای ارتقای مشارکت مردمی در پرداخت مالیات

تفاوت میانگین‌ها	معناداری	درجه آزادی	t	روش آموزش
۷۸۳۲۱.۲	۰/۰۰۰	۶۵۴	۷۳۳.۱۳۱	آموزش مدرسه‌ای (برنامه درسی)
۷۳۷۴۰.۲	۰/۰۰۰	۶۵۴	۳۶۲.۱۱۱	رسانه‌های جمعی
۶۵۶۴۹.۲	۰/۰۰۰	۶۵۴	۱۷۷.۹۵	شبکه اجتماعی
۷۹۵۴۲.۲	۰/۰۰۰	۶۵۴	۱۴۹.۱۳۶	مراکز دانشگاهی
۷۱۴۵۰.۲	۰/۰۰۰	۶۵۴	۸۸۷.۱۱۹	کارگاه‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی
۷۱۲۹۸.۲	۰/۰۰۰	۶۵۴	۷۰۳.۱۲۳	دوره‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی

نتایج جدول ۸- نشان داد تمامی روش‌های ارائه شده در سطح خطای ($0.05 <$) مورد تأیید قرار گرفته است. در این میان آموزش از طریق ۱. برنامه درسی مراکز دانشگاهی با میانگین ۷۹/۶، ۲. آموزش از طریق برنامه درسی مدارس با میانگین ۷۸/۳۶، آموزش از طریق رسانه‌های جمعی با میانگین ۷۳/۴۶، آموزش از طریق کارگاه‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی با میانگین ۷۱۴/۵۶، آموزش از طریق دوره‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی با میانگین ۷۱۳/۶ و ۶. آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی با میانگین ۶۵/۶ به ترتیب بیشترین تا کمترین میانگین را گزارش نمودند.

نتیجه گیری

پس از انجام تحلیل عاملی و اجرای شیوه چرخش واریماکس برای ساده‌سازی مولفه‌ها، مشخص شد که بهترین راه حل عاملی، دارای ۸ عامل است. بنابراین از مجموع گویه‌ها، ۸ عامل به عنوان عامل‌های اصلی شناسایی شدند این عوامل عبارتند از آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و فناورانه که همگی بر مشارکت شهروندان نقش مهمی دارند. لذا باید با روش‌های مناسب نسبت به آشنا نمودن شهروندان با این عوامل و یا آموزش کاربرست آن در مشارکت شهروندان در امور مالیاتی بهبود بخشید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تفاوت میان میانگین وضع مطلوب و وضع موجود در تمامی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در پرداخت مالیات در سطح خطای $0/05 =$ معنادار است ($p < 0/05$)، لذا با توجه به اینکه میانگین تمامی عوامل در وضع موجود از وضع مطلوب کمتر است، با اطمینان 95% می‌توان بیان نمود که در تمام عوامل نیاز به آموزش وجود دارد. با مقایسه عوامل فوق در دو وضعیت موجود و شکاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب می‌توان به این مهم پی برد که شکاف ناشی از این دو وضعیت ناشی از نیاز مبرم به آموزش همه‌ی عوامل، نیاز به آموزش شهروندان، نیاز به آموزش کاربرست عوامل و نیاز به آموزش کارکنان سازمان امور مالیاتی به خوبی نمایان شده است. پاسخ دهندگان بخوبی به این مقوله اشاره نموده اند، چرا که عوامل را در وضعیت موجود و مطلوب مورد تأکید قرار داده، لیکن با به کارگیری عوامل مختلف به خصوص آموزش شهروندی برای کلیه سطوح شهروندان، آموزش کارکنان نظام مالیاتی، هماهنگی و آموزش دستگاه‌های همکار با نظام مالیاتی می‌توان سطح مشارکت را به نحو شایسته‌ای از وضعیت کنونی بهبود بخشید.

این آموزش‌ها می‌تواند در بخش‌های زیر مورد توجه قرار گیرد.

- آموزش در مقاطع تحصیلی رسمی؛ گنجاندن محتوای درسی در ارتباط با مالیات در حد مورد نیاز در برنامه‌های درسی مختلف؛
- آموزش در مقاطع تحصیلی رسمی؛ گنجاندن محتوای درسی در ارتباط با مشارکت شهروندان در حد مورد نیاز در برنامه‌های درسی مختلف؛
- آموزش، اهمیت و ضرورت مشارکت در پرداخت مالیات در همه دستگاه‌های اجرایی؛
- آموزش از طریق رسانه‌ها با تیتراژها و مطالب آموزنده و فرهنگ سازی مناسب،
- آموزش با ساخت فیلم‌های آموزشی؛

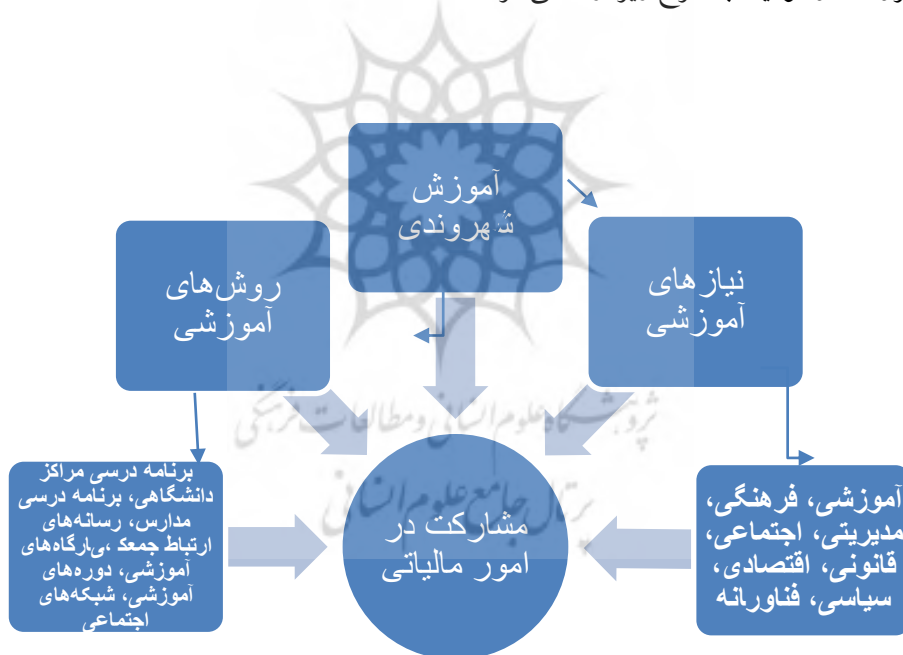
این یافته با یافته پژوهش‌های، افتخار نظام، (۱۳۹۴)، غیائی نیوزلند (آموزش شهروندی و آموزش امور مالیاتی ۲۰۱۷)، کاواجا و همکاران، ۲۰۱۱ و حمیدی و همکاران ۱۳۹۴ و رامشینی، محمود، جمشیدی، ناصر و غلامحسین اسدی؛ ۱۳۹۵، آندریوز و مایکوک، (۲۰۰۷)، عظیمی (۱۳۹۱)، کاسییلای و همکاران، ۲۰۰۳، هم راستا است.

لذا از آنجا که به نظر اغلب اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت و مدیریت آموزشی، نقش مهم آموزش، یادگیری و مراکز آموزشی در توسعه دانش مالیاتی و از طرفی فرهنگ مالیاتی بی همتا و منحصر به فرد است لذا نظام آموزش و پرورش می‌تواند در بخش فراگیری دانش مالیاتی، فرهنگ سازی مالیاتی، اقتصاد مقاومتی و اقتصاد پایدار نقش موثری داشته باشد. چنانچه نظام آموزشی یک جامعه در خصوص مسائل اقتصادی و مالیاتی از انسجام و برنامه ریزی مناسب و مطلوبی برخوردار باشد، طبیعتاً می‌توان انتظار داشت که خود اظهاری مالیاتی که به نوعی نشان دهنده و شاخصی از مشارکت شهروندان است در جامعه گسترش یافته و شاهد مشارکت روز افزون شهروندان در زمینه مالیات خواهیم بود. که این مسئله موجب پیشرفت کشور در زمینه‌های مختلف و در حوزه‌های گوناگون علمی، فنی و زیرساختی خواهد شد. همچنین در بخش دیگر یافته‌ها نشان داد که تمامی روش‌های آموزشی ارائه شده در سطح خطای (۰/۰۵ <) مورد تأیید قرار گرفته است. در این میان آموزش از طریق ۱. برنامه درسی مراکز دانشگاهی با میانگین ۶/۷۹، ۲. آموزش از طریق برنامه درسی مدارس با میانگین ۶/۷۸، ۳. آموزش از طریق رسانه‌های جمعی با میانگین ۴/۶۷۳، ۴. آموزش از طریق کارگاه‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی با میانگین ۵/۶۷۱۴، ۵. آموزش از طریق دوره‌های آموزشی سازمان امور مالیاتی با میانگین ۶/۷۱۳ و ۶. آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی با میانگین ۶/۶۵ به ترتیب بیشترین تا کمترین میانگین را گزارش نمودند.

به ترتیب می‌توان گفت که همه روش‌های آموزشی مورد توجه قرار دارند؛ پس باید نظام مالیاتی با دستگاه‌های مجری آموزش، (وزارت علوم و فناوری اطلاعات، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و آموزش پزشکی، رسانه ملی، دانشگاه علمی و کاربردی امور مالیاتی، وزارت ارتباطات و...)، هماهنگی‌های لازم جهت آموزش‌های پیش بینی شده جهت، همه شهروندان و جامعه‌های هدف، انجام شده و به راهکارهای قانونی آن به تصویب مراجع رسیده و اجرایی گردد. همچنین این نتایج این بخش با یافته پژوهش‌های، افتخار نظام، (۱۳۹۴)، غیائی نیوزلند (آموزش شهروندی و آموزش امور مالیاتی، ۲۰۱۷)، کاواجا و

همکاران، ۲۰۱۱ و حمیدی و همکاران ۱۳۹۴ و رامشینی، محمود، جمشیدی، ناصر و غلامحسین اسدی؛ ۱۳۹۵، آندریوز و مایکوک، (۲۰۰۷)، عظیمی (۱۳۹۱)، کاسیبیلای و همکاران، ۲۰۰۳، عظیمی (۱۳۹۱)، هم راستا است.

در این پژوهش، پس از بررسی و مطالعه ادبیات نظری و تجربی مرتبط با موضوع پژوهش، و پس از تحلیل کمی و کیفی به این چارچوب اشاره شد که جهت بهبود مشارکت مردمی دو عامل اصلی یعنی نیازهای آموزش شهروندان و روش‌های مطلوب آموزش دخالت دارند. که با توجه به شکاف وضعیت موجود و مطلوب نیازهای آموزشی مشخص شد، سپس به بررسی روش‌های آموزش شهروندی پرداخته شد تا بهترین و مطلوبترین روش آموزشی شناسایی گردند. لذا با این مهم مدل الگوی حاصل از تجزیه و تحلیل جهت آموزش شهروندی شهروندان و مؤدیان به شرح زیر ارائه می‌گردد.



شکل ۲- الگوی ارائه شده آموزش شهروندی (نیازها و روش‌های) جهت بهبود مشارکت شهروندان.

با توجه به پیشینه و ادبیات پژوهش و با نگاهی نو به یافته‌های حاصل از پژوهش میدانی می‌توان گفت هر پدیده‌ای در اثر عوامل مختلف و در برخورد با موضوعات مختلف

دستخوش تغییر می‌گردد؛ یکی از این پدیده‌ها؛ مسأله مالیات و نحوه مشارکت مردم و شهروندان در پرداخت مالیات است. لذا شناخت این عوامل می‌تواند به سیاستمداران، برنامه‌ریزان و اقتصاددانان، اصحاب فرهنگ و رسانه و متولیان آموزش و پرورش و دیگر مسئولین مربوطه کمک نماید که با بینش نو به این مهم توجه نمایند و در سیاست‌گذاری‌های خود مورد توجه بیشتر قرار دهند. مسأله مهم مالیات برای بیشتر اقتصاددانان و برای کشورهای توسعه یافته به عنوان اصلی‌ترین و در بعضی کشورها به عنوان منحصر به فردترین منبع تأمین مالی کشور است، مالیات در رفاه اجتماعی، امنیت اجتماعی، آموزش، بهداشت، سلامت، امور زیرنایی، حمل و نقل، اشتغال، و... تأثیر شگرفی دارد، به این سبب باید توجه نمود که چگونه می‌توان این عوامل را بهتر در فرآیندها به کار گرفت یا با آموزش زمینه بهبود آن را رقم زد.

لذا می‌توان گفت که با آموزش یا کاربست و یا آموزش کاربست هر یک از عوامل ۸ گانه می‌توان در مشارکت شهروندان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. لذا اگر به برنامه ریزی بلند مدت توجه کرد بایست اشاره نمود که آموزش و یادگیری از پایه در مقاطع رسمی پیش دبستانی، دبستان، مقاطع اول و دوم متوسطه و دانشگاه را مورد توجه قرار داد. با این مهم هم فرهنگ مالیاتی ارتقاء یافته و هم خیلی از عوامل فوق را به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پیشنهاد بر مبنای یافته‌ها

نظر به نتایج حاصل از پژوهش در خصوص "تحلیل آموزش شهروندی برای بهبود مشارکت مردمی در پرداخت مالیات در اداره کل امور مالیاتی غرب تهران" و شناسایی عوامل ارتقای مشارکت شهروندان در مسأله مهم مالیات پیشنهادهای مهمی می‌توان ارائه نمود. این پیشنهادها که حاصل نتایج پژوهش است از جمله مهمترین بخش‌های هر گونه فعالیت پژوهشی است. چرا که این مهم ارائه دهنده عمق بینش و تسلط پژوهشگر بر موضوع مربوطه، داشتن دیدگاه علمی، داشتن چارچوب ذهنی و مهارت مفهومی و ادارکی در مباحث کلیدی است؛ این مهم با تسلط بر پژوهش که حاصل مرور ادبیات و پیشینه پژوهش، شناخت وضعیت مشارکت است؛ لذا با توجه به یافته‌های و نتایج پژوهش ارائه راهکارهای علمی و عملی که منطبق و مرتبط با نتایج و یافته‌های پژوهش است می‌تواند جهت پرکردن شکاف و فاصله بین این دو وضعیت استفاده شود. لذا بر پایه مطالب ذکر شده و به استناد یافته‌های پژوهش

پیشنهادات به شرح ذیل ارائه می‌گردد. در این رابطه پس از معرفی عوامل مشارکت، و بررسی وضعیت موجود و مطلوب به نیازهای آموزشی دست یافته و سپس جهت این نیازها از طریق پژوهش به روش‌های مطلوب جهت آموزش گروه‌های شهروندی پی‌بردیم.

۱- در ارتباط با بهبود مشارکت شهروندانی توان گفت با توجه به نتایج پژوهش، آموزش با نقش‌های مهم و چند جانبه‌ای که داردمی‌تواند در توانمند سازی نیروی انسانی، آگاهی بخشی، ارتقای دانش تخصصی و عمومی شهروندان، بهبود بینش و نگرش شهروندان، ارتقاء مهارت‌های لازم در حوزه مالیات و... اثربخشی دو چندان و مضاعفی داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد کمیته‌ای در شورای تهیه و تدوین کتب درسی تشکیل شده و مسأله مهم و حیاتی مالیات را در همه جوانب مورد بررسی قرار داده و دستورالعمل‌ها، مجوزها و راهبردهای اساسی و اصلی را جهت گسترش، بهبود و ارتقای همه جانبه دانش مالیاتی را از طریق کتب درسی در همه مقاطع تحصیلی (پیش دبستانی، ابتدائی و دانشگاهی) انتقال داده و موجب بهبود این مهم شود.

۲- در سازمان امور مالیاتی کشور کمیته‌ای جهت ارتقای فرهنگ و آموزش دانش مالیاتی تشکیل و از دستگاه‌های متولی آموزش، و فرهنگ دعوت به عمل آید تا در این کمیته مشارکت داشته باشند و در تهیه محتوای آموزش، فرهنگی و... مشارکت نموده تا مسیر انتقال دانش، فرهنگ و تقویت آن‌ها را در سطح جامعه و کشور و در بین همه شهروندان هموار نمایند. در همه جوانب مورد بررسی قرار داده و دستورالعمل‌ها، مجوزها و راهکارهای اجرایی و عملی را جهت گسترش، بهبود و ارتقای همه جانبه دانش مالیاتی، مهارت‌های مورد نیاز مالیاتی و فرهنگ مالیاتی را از طرورق مختلف انتقال داده و موجب بهبود ارتقای مشارکت شهروندان در این موضوع مهم را فراهم نمایند.

۳- با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که جهت آشنایی دانش آموزان و دانشجویان با قوانین و اهمیت مالیات در توسعه همه جانبه کشور؛ محتواهایی رامتاسب با فراگیران در برنامه درسی رسمی، برنامه درسی غیر رسمی، فوق برنامه و برنامه درسی آشکار و پنهان در مراکز آموزشی لحاظ نمایند تا زمینه فرهنگ سازی و مشارکت در ایشان در این دوران فراهم گردد.

۴- بر اساس یافته‌های تحقیق چون یکی از عوامل بسیار مهم در ارتقاء مشارکت مردمی در امور پرداخت مالیات فرهنگ و عوامل وابسته به فرهنگ است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد: جهت

فرهنگ سازی مطلوب و همه جانبه، هماهنگی‌های لازم بین کلیه دستگاه‌های فرهنگی (وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و رسانه ملی، اصحاب رسانه شنیداری و دیداری...) به عمل آید تا به صورت منسجم و هماهنگ راهبری ارتقاء فرهنگ مالیاتی در بین عموم شهروندان انجام گیرد.

۵- در بخش روش‌های آموزشی (برنامه درسی مراکز دانشگاهی، برنامه درسی مدارس، رسانه‌های ارتباط جمعی، کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های آموزشی، شبکه‌های اجتماعی) می‌توان با مشارکت دستگاه‌های مجری آموزش رسمی کشور و دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ جامعه (وزارت علوم و فناوری اطلاعات، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و آموزش پزشکی، رسانه ملی، دانشگاه علمی و کاربردی امور مالیاتی، وزارت ارتباطات، شهرداری‌ها و...) مقوله فرهنگ سازی در جامعه را با همکاری سازمان امور مالیاتی کشور را با توجه به مقتضیات هر گروه، روش مخصوص به آن را ارائه نمود تا اهداف این مهم محقق گردد.

منابع

- ۱- ایران منش، محمدرضا؛ ۱۳۹۴، مفهوم شهروند (مفاهیم، مؤلفه‌ها، اصول، زمینه‌ها و الگوها، انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۴، تهران.
- ۲- اشرف نظری، علی؛ ۱۳۹۴، شهروندی و هویت، انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۹۴، تهران.
- ۳- امیری، مریم، یوسفی، حمیدرضا، بلوکی پله شاهی، محمد، ۱۳۹۵، نقش میانجی عوامل فردی در ارتباط بین عوامل مؤثر بر افزایش تمایل به خود اظهاری مالیات اشخاص حقیقی، چکیده مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
- ۴- احتشامی، صادق و عبدی، فائزه، (۱۳۹۵) "ارتقای فرهنگ مالیاتی و تأثیر آن بر نظام مالیات"، چکیده مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
- ۵- حیدری، محمدحسین، نریمانی، محمد...، کمال (۱۳۹۲)، "اصول تربیت مبتنی بر مبانی ارزشی شهرونی از نظر اسلام"،، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، سال هفتم، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۹۲.
- ۶- دهقان منشادی، فاطمه، روشن، عبدالرضا، ۱۳۹۴ ارائه یک مدل برای تجزیه و تحلیل عوامل فرهنگی مؤثر بر تکمین مالیاتی (بررسی نقش فساد مالی، هنجارهای فرهنگی و ارزش‌های

- اجتماعی بر تمکین مالیاتی)، مجموعه مقالات نهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۱۳۹۴، ۹، ص ۳۵۳.
- ۷- سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۹۲)، برنامه عملیاتی سال ۱۳۹۲، دفتر پژوهش و بهبود فرآیندها، اداره کل امور اداری و پشتیبانی.
- ۸- سعیدی، رضوانی، نوید؛ انصاری، محمدحسین؛ توحیدلو، وحیده؛ ۱۳۹۵؛ "بررسی و ارائه راهکارهای توانمندسازی اجتماع محور با تأکید بر مشارکت مردمی در ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و سکونت گاه‌های غیررسمی (نمونه موردی شیراز، کرمانشاه، وسندج)" هفت شهر،
- ۹- شافعی، رضا، راستاد، سید آرمان، (۱۳۹۵)، "تمکین مشتریان حقیقی و حقوقی مالیاتی با تأکید بر متغیرهای قومیتی و فرهنگ محلی (مطالعه ای در استان‌های غرب کشور)"، چکیده مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
- ۱۰- شهنازی، روح اله، احمدی، وحیده، (۱۳۹۵)، "شبیه سازی تأثیر طرح جامع مالیاتی بر کاهش فرار مالیاتی"، چکیده مقالات دهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۱۳۹۵.
- ۱- شکوری، علی، ۱۳۹۰، مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی (با تأکید بر ایران)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
- ۱۱- صمدی، منصور و نظریان، محمد، ۱۳۹۲، بررسی و سنجش رضایت مؤدیان مالیاتی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی مرکز تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۲).
- ۱۲- صادقی، کمال (۱۳۹۱)، در بررسی تأثیر شاخص کنترل فساد اداری و اثربخشی دولت بر درآمدهای مالیاتی: مطالعه موردی کشورهای با درآمدهای سرانه متوسط و بالا، به این نتیجه رسید که درآمد سرانه حقیقی با درآمدهای مالیاتی رابطه مثبت و معناداری دارد.
- ۱۳- صمدی، علی حسین، مرزبان، حسین، ساجدیان فرد، نجمه، فرار مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات و رشد اقتصادی در ایران: یک الگوی رشد درون زاء، مجموعه مقالات، هشتمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۱۳۹۳، ج ۸: ۸۸).

- ۱۴- عزت اله کیشانی فراهانی، محسن فرمهینی فراهانی، اکبر رهنما، مقاله ی "مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی"، ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات ملی؛ ۵۶، سال چهاردهم، شماره ۴، ۱۳۹۲).
- ۱۵- عاملی آ، زمردیان م، بهادری م. ۱۳۸۶. ارزیابی تأثیرگذاری اعتماد عمومی نسبت به نحوه مصرف مالیات بر تمکین مالیاتی (با تأکید بر تخصیص محلی مالیات). دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی، مجموعه مقاله‌های اولین همایش سیاست‌های مالی.
- ۱۶- عبدی، رمضانعلی، کاشف، حمیدرضا، بررسی راهکارهای توسعه مشارکت مردم با ناجا در طرح ارتقای امنیت اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۴.
- ۱۷- عرب مازار، عباس، زایر، آیت (۱۳۸۷)، برآورد ظرفیت بالقوه اقتصادی مالیات در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی مالیات، دوره جدید، سال شانزدهم، شماره ۹۲، صفحات ۱۸-۱۲.
- ۱۸- عرب مازار، علی اکبر، گل محمدی، مریم و بهروز باقری (۱۳۹۰) سطح تمکین مالیاتی، مهمترین شاخص دستیابی به یک نظام مالیاتی مطلوب و کارآمد، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۲، صفحات ۷۰-۲۷) انتقال به رفرنس
- ۱۹- فخاری، حسین، رضانی، علی اکبر، ابراهیمی، مهدی (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر عوامل قانونی، اجرایی، اقتصادی-محیطی مؤثر بر فرار مالیاتی"، چهارمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، فصل ۵: ۶۳۴-۶۱۷.
- ۲۰- قربانی، صابر، علیلو، رقیه (۱۳۸۹)، "بررسی راهکارهای ترویج و ارتقاء فرهنگ مالیاتی (مطالعه موردی: شرکت‌های تولیدی شهرستان تبریز)"، چهارمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، فصل ۶: ۶۵۶-۶۳۸.
- ۲۱- کیشانی فراهانی، عزت اله، فرمهینی فراهانی، محسن، رهنما، اکبر، "مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی"، ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات ملی؛ ۵۶، سال چهاردهم، شماره ۴، ۱۳۹۲).
- ۲۲- کاظمی، حسین، فریدوند نعمت آباد، الهام، (۱۳۹۲) بررسی و شناسایی راهکارهای عملیاتی برای ارتقای تمکین مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده، مجموعه مقالات، هفتمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران.

- ۲۳- کمالی، سعید و شفیعی، سعیده، ۱۳۹۰، مفهوم تمکین مالیاتی و محاسبه آن در نظام مالیاتی ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۲.
- ۲۴- مهدی صالحی، سعید پرویزی فرد، مستوره استوار (۱۳۹۳) پژوهشنامه مالیات، "تأثیر عوامل فرهنگ مالیاتی بر تمکین مالیاتی در بین مؤدیان امور مالی، سال ۲۲، شماره ۲۳.
- ۲۵- مرادی، مهدی، رستمی، امین، تقی زاده، رضا ۱۳۹۱، "بررسی عوامل موثر بر فرار از پرداخت مالیات با تاکید بر عوامل فرهنگی"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۸، مسلسل ۶۶، تابستان ۱۳۹۲.
- ۲۶- میرمحمدی، علیرضا، صادقی، حسین، شکیبایی، علیرضا، ۱۳۹۱، "بررسی تاثیر عوامل موثر بر ارتقای تمکین مودیان مالیاتی"، فصلنامه مفید، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۰، ص: ۷۶ تا ۵۵.
- ۲۷- موسوی جهرمی، یگانه، طهماسبی بلداجی، خاکی، نرگس (۱۳۸۸)، "فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری"، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ۵: ۳۸-۲۷.
- ۲۸- نرگسیان، عباس، مطالعات شهروندی رویکرد شهروندمدار به مدیریت دولتی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳
- ۲۹- نجار نهایندی، آبخوش، معصومه (۱۳۹۴)؛ سنجش تأثیر آموزش شهروندی بر توانمندسازی زنان (مطالعه ی موردی: منطقه ۶ شهرداری تهران)؛ زن در توسعه و سیاست؛ سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران؛ ۱۳۹۴.
- ۳۰- نگرشی نوین به تمکین مالیاتی؛ ارائه یک چارچوب جدید، رامشینی، محمود، جمشیدی، ناصر، اسدی، غلامحسین، ۱۳۹۵، پژوهش نامه مالیات، شماره سی و یکم (مسلسل ۷۹)، پاییز ۱۳۹۵
- 31- Gangl, K. , Hofmann, E. , Pollai, M. , & Kirchler, E. (2012). The dynamics of power and trust in the Slippery Slope Framework and its impact on the tax climate. SSRN working paper. "http://papers. ssrn. com/sol3/papers. cfm?abstract_id=2024946". Retrieved 06. 12 from SSRN.
- 32- <http://taxcitizenship. tki. org. nz/Level-5-unit/Learning-experience-4-Young-people-and-tax>, Last update: 17 May 2017
- 33- <http://taxcitizenship. tki. org. nz/Level-5-unit/Learning-experience-4-Young-people-and-tax>, Last update: 17 May 2017
- 34- Journal homepage: www. elsevier. com/locate/newideapsych/ New Ideas in Psychology 37 (2015) 13e23
- 35- Kastlunger, B. Lozza, E. , Kirchler, E. & Schabmann, A. (2013). Powerful authorities and trusting citizens: The Slippery Slope Framework and tax compliance in Italy, Journal of Economic Psychology, No 34, 36-45.

- 36- Khan , S. & Swapan,M. S. H (2013). From Blueprint Master Plans to Democratic Planning in South Asian Cities: Pursuing Good Governance Agenda against Prevalent Patron-client Networks. Habitat International,38,pp. 183-191
- 37- -Katharina Gangl*, Eva Hofmann, Erich Kirchler,2015: "Tax authorities' interaction with taxpayers: A conception of compliance in social dilemmas by power and trust" University of Vienna, Faculty of Psychology, Austria,
- 38- -lawan yahaya,2014 "The perception of Corporate Taxpayers,Compliance.
- 39- -Margaret M. Sefora(2017); Public Participation in Parliamat ,Perspetives on Social Med. a. Technology(SMT). By Margaret M. Sefora. "Study Preseted in Partial Fulfilment of the requirements for the degree masters in public Administration in the faculty of Economic and management sciences as Stellenbosch university.
- 40- Mahdi Moradi, Amin Rostami, Reza Taghizadeh,2016"Investigating into Determinants of Tax Evasion with Focusing on Cultural Factors" Journal of tax Research , Volume 21, Number 18 (9-2013)
- 41- -OECD (2011), Tax Administration in OECD and Selected Non-OECD Countries:Comparative Information Series (2010)
- 42- -Pickhardt, Michael and Aloys Prinz (2014). Behavioral Dynamics of Tax Evasion- A Survey",Journal of Economic Psychology,Vol. 40:1-19.
- 43- -Retain. ♣ (2016), International Journal of Political Science and Development, Vol,701,40(1). pp. 16-
- 44- Rumina, U. A. , Balandina, A. S. & Bannova, K. A. (2015). Evaluating the effectiveness of tax incentives in order to create a modern tax mechanism innovation development, Social and Behavioral Sciences, 166: 156-160
- 45- -Richardson, G. , (2006), Determinants of Tax Evasion: A Cross-country Investigation, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation,No. 15, PP. 150-169.
- 46- -Sue lewis,Sandra Delgado, E Wayne Ross,Edda Sant,The palgrave Handbook of Global Citizenship and Education pp 227-243 'Justic and Global Citizenship Education ' . 12,January 2018.
- 47- Sandro Casal , Christoph Kogler, Luigi Mittone , Erich Kirchler,2016, Tax compliance depends on voice of taxpayers, Journal of Economic Psychology 56 (2016) 141° 150
- 48- -Tahseen,A,Eatzaz,A(2010). The Effect of Corruption and Governmance on Tax Revenues, The Pakistan Development Review,49:4 part2,405-417.
- 49- -WWW. ([http://asrebank. ir/](http://asrebank.ir/))
- 50- -www. Journal. news. news. net/local. new state website lets citizens see tax dollars at work. Jim. Mcconville,staff writer,feb,13,2018.
- 51- -World bank (2015). " Doing Business 2015,Going beyond efficiency" ,World Bank Group,2015.
- 52- -WWW. INTERNAL ERVENUE SERVIC AN OFFICIAL WEBSITE OF THE UNITED STATES GOVERNMENT. 2017.
- 53- -World bank (2015). " Doing Business 2015,Going beyond efficiency" ,World Bank Group,2015.

- 54- -tax filing- an application of the IS Success model and trust theory, Computers
55- in Human Behavior, 43: 251-262.
- 56- -WWW. INTERNAL ERVENUE SERVIC AN OFFICIAL WEBSITE OF THE UNITED STATES GOVERNMENT. 2017
- 57- -Yasmin Khodary, (2016) ,"Public Participation in Public Policy ,Case Studies on Egypts Right to information Draft Low and National Plan, Yasmin Khodary..
- 58- A model for improving public participation tax affairs with an emphasis on citizenship education

